

محرومیت نسبی و ظرفیت سازی برای بحران اجتماعی: مطالعه موردی حوادث ۱۳۹۶

سید ایمان قربانی^۱، دکتر طهمورث شیری^۲

چکیده:

اعتراضات به شرایط اقتصادی در دی ماه ۱۳۹۶ بزرگ ترین بحران اجتماعی ایران در دهه حاضر را تشکیل می دهد. هدف از این اثر، جستجو در منشاء اعتراضات سیاسی و اجتماعی این حادثه در ایران است. روش تحقیق نیز بر پایه تبیین و بررسی منشاء پیدایش و ریشه های شکل گیری اعتراضات اقشار مختلف در دی ماه ۱۳۹۶ با روش توصیفی - تحلیلی با محوریت نظریه های محرومیت نسبی، به ویژه اندیشه تد رابرت گر به عنوان نظریه منتخب و همچنین نظریه های از خود بیگانگی اجتماعی است. در این تحقیق، با ارسال پرسشنامه به ۲۵۰ نفر خبره علمی و استاد دانشگاه به عنوان جامعه آماری، به منظور بررسی نتایج، از روش وزن دهی اصلی (کاردینال) و با مقایس زوجی استفاده شده است. به موجب این تحقیق مشخص شد که مقایسه شاخص های اجتماعی مورد بررسی در وقایع ۱۳۹۶ حاکی از نارضایتی مردم از مهم ترین حقوق اجتماعی خود است. مهم ترین و اثرگذارترین این عوامل، فساد اقتصادی و تبعیض و نابرابری اجتماعی است که حاصل آن بی عدالتی قضایی و فقر و محرومیت اکثر جمعیت ایران است که سبب پیدایش احساس محرومیت نسبی و احساس از خود بیگانگی اجتماعی شده و در نتیجه اعتراضات سیاسی و اجتماعی را رقم زده است. تفاوت میان انتظارات مشروع و واقعیات عالم خارج در سطح جامعه و عدم توجه به تغییرات ارزشی و سیاسی همراه با خواست های اقتصادی و ایجاد برابری و عدالت اجتماعی، مهمترین منشاء اعتراضات سیاسی و اجتماعی در دو دهه گذشته به شمار می روند. در نتیجه، احساس محرومیت نسبی و احساس از خود بیگانگی اجتماعی از مهم ترین مؤلفه های تأثیرگذار در اعتراضات و ناآرامی های این سال در ایران به شمار می روند.

کلیدواژگان:

محرومیت نسبی، از خود بیگانگی، فساد اقتصادی، ناآرامی، بحران

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی imanqorbanirasht@gmail.com

^۲ دانشیار گروه جامعه شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی Shiri.tahmures@gmail.com

۱. مقدمه

پس از آن که انقلاب اسلامی در پی اعتراضات گسترده مردمی در بهمن ماه ۱۳۵۷ با وعده تحقق خواست های مردم و برآورده ساختن نیازهایشان به پیروزی رسید، اما در برخی از برهه های تاریخی بعد از انقلاب نیز وقوع ناآرامی هایی همانند اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ شامل اعتراضات اقشار مختلف به ویژه بازنشستگان، معلمان، کارگران شیلات، کارگران معدن، کارگران صنایع، کارگران اتوبوسرانی و... مشاهده می شود که جامعه پتانسیل اعتراضات سیاسی و اجتماعی در ابعاد گسترده ای را نشان داد.

در بررسی این رخداد به نظر می رسد که جامعه ایران اعم از دانشجویان و سایر اقشار جامعه از سطح بالایی از گرایش به کنش اعتراضی - سیاسی، احساس بیگانگی اجتماعی و احساس محرومیت نسبی برخوردار است. از همین رو تلاش شده است که علاوه بر نظریه احساس محرومیت نسبی از نظریه احساس بیگانگی اجتماعی نیز در بررسی تطبیقی حوادث مذکور در دهه اخیر استفاده شود.

این تحقیق در صدد پاسخ به این پرسش است که در تبیین تطبیقی - جامعه شناختی اعتراضات مدنی در دهه اخیر کدام مؤلفه های اجتماعی نقش دارند؟ همچنین قصد دارد در این خصوص که وقایع سال ۱۳۹۶ از کدام خاستگاه اجتماعی برخوردارند به کاوش بپردازد.

فرضیه اصلی این تحقیق به منظور بررسی رخداد عبارت است از این که «تفاوت میان انتظارات مشروع و واقعیات عالم خارج در سطح جامعه به همراه خواست های اقتصادی و ایجاد برابری و عدالت اجتماعی، مهم ترین منشاء اعتراضات سیاسی و اجتماعی در سال ۱۳۹۶ به شمار می روند».

اهمیت تحقیق پیش رو بدین صورت تبیین می شود که از آن جایی که جامعه ایرانی در دو دهه گذشته شاهد وقایعی همچون کوی دانشگاه در سال ۱۳۷۸، اعتراضات انتخابات ۱۳۸۸ و حوادث دی ماه در سال ۱۳۹۶ بوده، نشان داده است که دارای پتانسیل قابل توجه اعتراضات سیاسی می باشد. شناسایی و کنترل

عوامل مؤثر در اوضاعی که مورد اشاره قرار گرفت، می تواند اقدامی اساسی برای مدیریت صحیح بحران در آینده باشد. علاوه بر این، مواردی شامل بررسی تطبیقی حوادث و وقایع مذکور در دو دهه گذشته و تبیین چالش ها و راهکارهای موجود با توجه به تجارب دو دهه گذشته برای جلوگیری از شکل گیری اعتراضات مخرب و ارتقاء میزان التزام مدنی با فراخواندن مسئولان حکومتی به رفتار توأم با صداقت با مردم و دعوت شهروندان به مشارکت در فعالیت های اجتماعی و شناخت صحیح ارزش های جمعی و ملی در جهت ایجاد علاقه جمعی نیز از اهداف فرعی این پژوهش به شمار می رود.

تحقیق حاضر از دو جهت پوشش دامنه جغرافیایی وسیع حوادث اجتماعی رخ داده در کشور و نه فقط تهران و همچنین پرداخت به حوزه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در کنار عوامل سیاسی در ارزیابی مفهوم محرومیت نسبی، دارای ویژگی های نوآورانه می باشد.

روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع کیفی است. این اثر با تحلیل روش تطبیقی در صدد است به تبیین دقیق تر موضوع و مسأله مطرح شده بپردازد. به منظور تجزیه تحلیل اطلاعات نیز از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده خواهد شد.

۱-۱. پیشینه تحقیق

تحقیقات و مطالعات نه چندان زیادی درخصوص بررسی رخدادهای اجتماعی از منظر محرومیت نسبی و از خود بیگانگی اجتماعی انجام شده که از این جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

محمود اوغلی و اصغری نیاری (۱۳۹۶) با بررسی عوامل تأثیرگذار بر میزان گرایش رفتارهای خشونت آمیز سیاسی در بین شهروندان بلوچ شهر زاهدان به این نتیجه رسیدند که در کنار عوامل جامعه شناختی مانند محرومیت نسبی، عوامل دیگری همچون ساختار اجتماعی - فرهنگی خاص، سیستم قوم مداری، جغرافیای طبیعی استان، قاچاق مواد مخدر، تعداد زیاد اتباع بیگانه در منطقه و تقویت گروه های تروریستی توسط عوامل خارجی بر میزان خشونت در این منطقه تأثیرگذار است.

صدیقیان بیدگلی (۱۳۹۵) کنش های سیاسی اعتراضی دانشجویان از دیدگاه جامعه شناختی و رابطه آن با محرومیت نسبی از دیدگاه روان شناختی مورد بررسی قرار داد و دریافت که پتانسیل بالای کنش های سیاسی اعتراضی و احساس محرومیت نسبی در پاسخ دهندگان وجود داشت و رابطه این دو متغیر نیز معنادار بود.

محسنی تبریزی و درویش ملا (۱۳۸۷) در مطالعه ای تجربی در باب سنجش میزان احساس محرومیت نسبی و محرومیت نسبی ادراکی جوانان به این نتیجه رسیدند که میان احساس محرومیت نسبی و هر یک از متغیرهای وضعیت فعالیت اقتصادی (اشتغال)، سن، جنس، تحقیقات، درآمد و وضع مالکیت مسکن رابطه وجود دارد.

نواح و تقوی نسب (۱۳۸۶) با کاوش در این باره که احساس محرومیت نسبی در میان اعراب استان خوزستان چه تأثیری بر هویت ملی و هویت قومی آن‌ها می‌گذارد، دریافتند که افزایش احساس محرومیت نسبی، هویت قومی در میان مردم عرب این استان تشدید شده و در پی آن برخی جنبه‌های هویت ملی آنان کاهش می‌یابد.

همچنین پایان نامه‌هایی دانشجویی کم شماری در این خصوص به نگارش درآمده است که از این میان می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

گودرزی (۱۳۹۱) با بررسی علل و عوامل شکل‌گیری ناآرامی‌های اجتماعی سه دهه گذشته می‌گوید که در بسیاری از موارد نارسایی‌های اقتصادی و اجتماعی سبب بروز نارضایتی‌هایی شده که پس از آن که با بی‌توجهی مسئولین مربوطه مواجه می‌گردد معترضین ناراضیان دست به اعتراضات اجتماعی می‌زنند و این اعتراضات به ناآرامی اجتماعی مبدل می‌گردد.

علیخواه (۱۳۸۷) نیز با جستجو درباره رابطه میان میزان احساس محرومیت نسبی با میزان پتانسیل اعتراض سیاسی به این نتیجه رسید که احساس محرومیت نسبی علاوه بر آن که به طور مستقیم موجب افزایش احتمال اعتراض سیاسی می‌گردد و جامعه ایرانی دارای پتانسیل قابل توجه اعتراض سیاسی است.

۲. مبانی نظری محرومیت نسبی و از خود بیگانگی

در این جا باید به بیان مبانی و مؤلفه‌های نظریه محرومیت نسبی و همچنین نظریه احساس از خود بیگانگی اجتماعی پرداخت که از توان بالایی در تبیین علل موثر در شکل‌گیری ناآرامی‌ها و اعتراضات سیاسی برخوردارند.

۲-۱. مبانی نظری محرومیت نسبی

از مهم‌ترین نظریه‌ها در تبیین منشأ بحران‌های اجتماعی و سیاسی می‌بایست به نظریه محرومیت نسبی اشاره داشت که مهم‌ترین نظریه پردازان این نحله عبارتند از: جیمز دیویس، دیوید مور و تد رابرت گر. مقوله یا مفهوم محوری این نظریه «محرومیت» و مهم‌ترین مبنای آن بر مقایسه استوار می‌باشد. نکته مهم در این نظریه این است که شرایط بد مادی یا محرومیت مطلق مستقیماً به اعتراض و شورش منتهی نمی‌شود؛ بلکه همان‌گونه که ذکر شد، واکنش ذهنی یا روانی در قبال این شرایط است که عامل تعیین‌کننده محسوب می‌شوند (صالحی، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۹).

مفهوم محرومیت نسبی نخستین بار توسط رانسمن (۱۹۷۹) ساخته و پرداخته شد و سپس یتزاکي از آن استفاده کرده و فرمولی ریاضی برای درآمد طبق نظریه محرومیت نسبی ارائه داد. از سوی دیگر، سابقه مطالعه روشمند در مورد محرومیت نسبی به تحقیقات ساموئل استوفر و همکارانش در مورد روحیه نظامیان

در جنگ جهانی دوم باز می‌گردد. حاصل این گونه تحقیقات، قاعده مند کردن مفهوم محرومیت نسبی بود (حسینی، ۱۳۷۵: ۵).

نظریات توقعات فزاینده دیویس بیشتر به مسائل اقتصادی توجه دارد (بشیریه، ۱۳۷۴: ۱۰۲). از نظر جیمز دیویس، مردمی که اعتقاد دارند تمام گروه اجتماعی آنان در محرومیت به سر می‌برد بیشتر احتمال دارد در جنبش‌های اجتماعی مشارکت جویند و فعالانه تلاش کنند تا نظام اجتماعی را تغییر دهند. وی درخصوص تمایز میان محرومیت نسبی و مطلق می‌گوید که هنگامی که مردم در مقایسه با معیار تعیین کننده وضعیتی احساس می‌کنند که با آن‌ها بد برخورد شده یا به اندازه کافی پاداش دریافت نکرده‌اند، محرومیت بیشتر به عنوان امری «نسبی» تعریف می‌شود.

تد رابرت گر مؤلف کتاب «چرا انسانها شورش می‌کنند» که از اندیشمندان پایه گذار نظریه محرومیت نسبی، معتقد است: عامل تعیین کننده وقوع منازعات خشونت آمیز میان ملت‌ها، نارضایتی اعضا است و اگر راه دستیابی افراد به اهداف و خواسته‌هایشان بسته شود دچار محرومیت نسبی می‌شوند. محرومیت نسبی نتیجه تفاوت درک شده میان انتظارات ارزشی (خواسته‌ها) و توانایی‌های ارزشی (داشته‌ها) افراد است. این وضعیت ذهنی - روانی، تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی از حالت ذهنی خارج شده و در شکل خشونت سیاسی (وضعیتی عینی) نمایان می‌گردد.

به نظر گر محرومیت نسبی سه نوع متفاوت دارد: محرومیت نزولی، محرومیت ناشی از بلندپروازی و محرومیت صعودی. محرومیت نسبی موجب بروز نارضایتی در افراد می‌گردد و نارضایتی محرکی کلی برای اقدام علیه منبع محرومیت است. پاسخ‌های پرخاشجویانه تنها در زمان تحریک بیرونی رخ می‌دهد (دلیری، ۱۳۸۲: ۸۲۵-۸۱۴). متغیر اصلی وابسته در نظری رابرت گر، «خشونت سیاسی» است که می‌تواند به شکل جنبش سیاسی اجتماعی باشد یا نباشد. وی بر آن است که محرومیت نسبی به سرخوردگی، و سرخوردگی به خشم منجر می‌شود که خود می‌تواند به رفتار خشونت آمیز منتهی گردد. رابرت گر شدت خشونت جمعی را تابعی از میزان محرومیت نسبی افراد می‌داند (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۲-۱۲۳).

۲-۲. مبانی نظری احساس از خود بیگانگی

رفتارهای جمعی در جامعه می‌توانند خود را در قالب ناآرامی‌هایی از قبیل شورش‌ها، درگیری‌ها، اعتراض‌های سیاسی و غیره نشان دهند (درسلر، ۱۳۸۸: ۴۵۶). در ایجاد این رفتارهای جمعی علاوه بر نظریه محرومیت نسبی، باید به نظریه احساس از خودبیگانگی نیز اشاره داشت که مهم ترین اندیشمندان آن عبارتند از: کارل مارکس، اریش فروم، گئورگ لوکاش، هربرت مارکوزه، رابرت مرتن، ملوین سیمن، ماری لوین و یورگن هابرماس.

مارکس معتقد بود که کارگران در فراگرد تولید از محصول خود بیگانه می‌شوند و آن را دارای موجودیتی مستقل و عینی می‌دانند. در خلال فراگرد تولید، کارگران خود را به عنوان عامل پیدایش محصول از یاد می‌

برند و برای محصولی که خودشان تولید کرده اند موجودیتی مستقل قائل می شوند. منظور مارکس در خصوص از خود بیگانگی این است که انسان خود را مانند کارگزاری نمی بیند که بر پایه درک خویش از جهان عمل کند، بلکه جهان طبیعت، دیگران و خود او برایش بیگانه اند (کوزر، ۱۳۷۸: ۴۰۱؛ فتحی و محمدی، ۱۳۹۰: ۱۶۱-۱۶۰). مارکس چنین فراگردی را که شخصیت آدمی را در معرض خطری هولناک قرار می دهد بیگانگی می نامد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۴۹).

بر اساس دیدگاه اریش فروم چون فرد همواره در ایفای نقشه ای مقرر منافع و مصالح و خواسته های دیگران را در مدنظر دارد، تبدیل به سازشکاری از خود بیگانه گردیده است. فروم معتقد است: در هر جنبه ای از ارتباط انسان با جامعه و در هر زمینه ای از روابط متقابل اجتماعی که در یک بعد فرد و در بعد دیگر واقعیتها و جریانات اجتماعی قرار گرفته اند، بیگانگی مشهود و متجلی است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۵-۶۶).

لوکاچ با وام گرفتن از تحلیل مارکس درباره «بت وارگی کالاها»، مفهوم شیء وارگی را به جای از خود بیگانگی به کار برد (ترنر، ۱۹۹۸: ۵۴۸). وی نتایج فرایند شیء وارگی را از دو جهت ذهنی و عینی دنبال می کند. از جهت عینی، کالایی شدن یعنی در افتادن به شیء وارگی یا طبیعت ثانوی که نمود و ظاهر جامعه ی سرمایه داری را تشکیل می دهد و روابط واقعی را پنهان می سازد. از جهت ذهنی نیز شیء وارگی به معنای بیگانه شدن انسان ها از کار خود و منفعل شدن و محبوس شدن در همان طبیعت ثانوی است (اباذری، ۱۳۷۴: ۱۵).

به اعتقاد مارکوزه از خود بیگانگی کلی مفهومی است برای اشاره به جدایی فکری و فیزیکی مردم از یکدیگر و جدایی واقعی از فعالیت و جامعه (امامی، ۱۳۸۵: ۲۲). انسانها متأثر از تبلیغات کالایی، رستگاری خود را در خرید و مصرف بیشتر می دانند که نتیجه ی آن کار بیشتر است و در نتیجه حالتی از خود بیگانگی در جامعه پدید آمده و منجر به انسانهای تک ساحتی شده است. بر همین اساس نیز تولید و مصرف زیاد، باعث شده است تا انسانها به وابستگان کالا تبدیل شود.

مرتن بیگانگی را با آنومی در نظر می گیرد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۲-۶۱) و آن را نوعی انحراف تعریف می کند که وقتی رخ می دهد که افراد قادر نباشند با وسایلی که جامعه معین کرده است، به اهداف مربوطه دست یابند و واکنش طبیعی به این وضعیت، روی آوردن به کج روی و انحراف است (شکرریزی، ۱۳۷۶: ۴۳). بر اساس دیدگاه مرتن، مردم در برابر فشارهای ساختاری به شیوه هم نوایی، نوآوری، شعائرگرایی یا انزواء گرایی واکنش نشان می دهند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۵).

سیمن کوشیده ضمن ارائه تعریفی مفهومی از بیگانگی و مشخص نمودن تیپولوژی آن، صور و انواع تظاهرات رفتار بیگانه گونه را در پنج نوع قابل تمیز که به نظر وی رایج ترین و متداول ترین صور کاربرد مفهومی واژه در ادبیات جامعه شناسی و روان شناسی است نشان دهد: الف) احساس بی قدرتی، ب)

احساس بی معنایی یا احساس بی محتوایی، ج) بی هنجاری یا احساس نابهنجاری، د) احساس انزوای اجتماعی، ه) احساس تنفر یا تنفر از خویشتن (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۷-۶۹).

به نظر لوین، بیگانگی سیاسی - اجتماعی واقعیتی فکری است که در آن فرد احساس می‌کند بخشی از روند اجتماعی و سیاسی جامعه نیست، بیگانه شده سیاسی - اجتماعی معتقد است که شرکت او موجب تغییری نمی‌شود. بیگانگی اجتماعی - سیاسی ممکن است به صورت احساس بی قدرتی، بی معنی بودن، بیگانه شدن از فعالیت اجتماعی و بی هنجاری بروز کند.

هابرماس به ساختارهای تحریف شده ارتباطی تأکید می‌کند که عامل اصلی این تحریف را ایدئولوژی و مشروع سازی می‌داند (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۶). در نتیجه نابودی فرآیند ارتباطی، عرصه عمومی رو به زوال می‌رود و عقلانیت ارتباطی تحت سلطه سیستم قرار می‌گیرد. نتیجه این سلطه بر جهان زیست تفوق عقلانیت علمی و فنی بر دیگر جنبه‌ها و کاهش عقل عینی بر عقل ابزاری به از دست رفتن معنا، تزلزل در هویت جمعی و نهایتاً تشدید بیگانگی در جامعه منجر شده است (هولاب، ۱۳۷۸: ۵-۶).

۳. حوادث دی ماه ۱۳۹۶

در این جا تلاش می‌شود با توجه به نظریات محرومیت نسبی و نظریه از خود بیگانگی اجتماعی، به بررسی خاستگاه و ابعاد این بحران، پردازیم. سومین جنبش و اعتراضات سراسری و تأثیرگذار در تاریخ انقلاب اسلامی در دی ماه ۱۳۹۶ آغاز شد. در ۷ دی تجمع‌های اعتراضی با عنوان «نه به گرانی» گزارش شد که در مشهد به دنبال واکنش نیروهای انتظامی به خشونت کشیده شد. در ادامه، تجمع‌های اعتراضی روز ۸ دی در تعدادی از شهرهای ایران از جمله کرمانشاه، همدان، رشت، اصفهان، اهواز، قم، ساری، زاهدان، قزوین، لرستان، قوچان و ساوه پس از تاریک شدن هوا نیز ادامه یافت. با آغاز تظاهرات سراسری از ۷ دی برخی از خبرگزاری‌ها از تجمعات ایرانیان خارج از کشور مقابل سفارتخانه‌های ایران خبر دادند. تظاهرات ۱۳۹۶ ایران مجموعه اعتراضات رهبری نشده مردمی و ضد حکومتی در سراسر ایران است. که از ۷ دی ۱۳۹۶ (۲۸ دسامبر ۲۰۱۷) از مشهد و شهرهای بزرگ استان خراسان آغاز شد. فراخوان شرکت در این تظاهرات که در آغاز «نه به گرانی» (پویش اعتراضات و تجمع مردمی) و اعتراض به سیاست‌های دولت حسن روحانی نامیده شد، در شبکه‌های اجتماعی انجام گرفت، ابتدا با خواست‌هایی اقتصادی، علیه فساد جاری در دولت ایران و میزان بالای بیکاری بود، اما با فراخوان‌های بیشتر، دامنه همگانی آن فراتر از مشکلات اقتصادی رفت و مخالفت‌ها با نظام سیاسی ایران به ویژه علیه ولایت فقیه و مقامدار آن، علی‌خامنه‌ای را نیز دربرگرفت.

«تنفر» از جمهوری اسلامی در میان معترضین یکی از عوامل اصلی این اعتراضات در نظر گرفته شده و اقدامات و شعارهای ساختارشکن و تخریبگر نشان از وجود «تنفر» دارد. «نداشتن مطالبه مشخص»، «شروع

حرکت از پیرامون به مرکز» از دیگر خصلت های این اعتراضات است. از دیگر ویژگی های مهم این اعتراضات این است که برخلاف سال های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸، اصلاح طلبان پشت آن نبودند. گستردگی و پراکندگی در کشور و ماهیت ضد حکومتی، از ویژگی های آن هستند. این حرکت مداوم برخلاف انقلاب ۵۷ کاملاً مبری از ایده دینی بود.

این تظاهرات بی بهره از ساختار رهبری بود. نیرویی متوازن کننده که بتواند نقش واسطه را میان معترضان و حکومت بازی کند وجود نداشته است. بنابراین معترضان در وسط خیابان تصمیم می گرفتند که چه شعاری بدهند و تا کجا پیشروی کنند. بعضی از دیدگاه ها بیان کردند که دغدغه های اصلی تظاهرکنندگان مشکلات روزمره اقتصادی است، اما به نظر می رسد از نظر برخی تظاهرکنندگان کوچک ترین مسائل هم در چارچوب تنگ سیاسی نظام حاکم قابل حل نیستند.

۴. نقش محرومیت نسبی در توضیح حوادث ۱۳۹۶

در دی ماه ۱۳۹۶ برخلاف سایر حوادث و اعتراضات، شروع حرکت، از پیرامون به مرکز بود. معترضین بیشتر از قشر فقیر جامعه و اقشاری بودند که احساس می کنند از طرف نخبگان فاسد نادیده گرفته شده اند. شعارهای ساختار شکنانه در اعتراضات دی ماه ۹۶، این حوادث را از حوادث گذشته متفاوت می ساخت. اقدامات و شعارهای ساختارشکن و تخریب گر نشان از وجود «تفر» است که آن را می توان محصول انباشته شدن «احساس تحقیر»، «احساس تبعیض» و «فاصله طبقاتی» دانست.

مهم ترین منشا و ریشه تجمعات و ناآرامی های دی ماه ۱۳۹۶ را می توان در مسائل و مفاصل اقتصادی، تبعیض و ناروایی مسئولان و محرومیت نسبی عامه مردم از ثروت و اقتصاد ملی ذکر کرد.

۱- بیکاری: بیکاری یکی از مهم ترین معضلات کشور در سال های اخیر است. بر اساس سایت مرکز آمار نرخ بیکاری در کشور ۶/۱۲ درصد از جمعیت فعال کشور می باشد و شاخص نرخ بیکاری فصلی جوانان به ۸/۲۸ درصد رسید تا رکورد این نرخ در ۱۶ سال گذشته شکسته شود.

۲- بحث عدم سلامت اقتصادی مقامات اجرائی نیز مطرح بود که بیشترین تأثیر آن را می توان در ناامیدی جامعه مشاهده کرد. در جریان مناظرات انتخاباتی نامزدها، نامزد رقیب یا اطرافیان را به فساد اقتصادی متهم می کردند با توجه به عدم اثبات و پیگیری قضائی این نوع تهمت زنی ها، بیشترین تأثیر آن را می توان در ناامیدی جامعه مشاهده کرد که مخاطبین را به جمع بندی برساند که جریان های سیاسی کشور از سلامت اقتصادی برخوردار نمی باشند. در حقیقت مردم انتظار ندارند کسانی که سلامت اقتصادی ندارند در پست های اجرائی بالا قرار گیرند. موضوع دیگر عدم تحقق وعده های اقتصادی می باشد زیرا نامزدها و از جمله رئیس جمهور منتخب به منظور کسب رای، وعده ها و شعارهای اقتصادی زیادی را مطرح کردند که از توان آن ها خارج و یا با کم کاری تحقق پیدا نکرده است. این موضوع باعث افزایش نارضایتی مردم می

شود چراکه مردم با وعده های داده شده به فرد مورد نظر رای می دهند اما بعد مشاهده می کنند که وعده ها تحقق پیدا نکرده است. در حقیقت دو موضوع بالا باعث می شود که فاصله بین انتظارات و واقعیات زیاد باشد و این اختلاف منجر به نارضایتی و اعتراض می شود.

۳- عدم برخورد مناسب با مفسدان اقتصادی باعث افزایش روند ناامیدی مردم شد، ضمن این که عدم شفاف سازی جرائم در دادگاه ها و بزرگنمایی آن ها در فضای مجازی و... باعث شده در نگاه بخشی از جامعه محکومیت ها با جرائم ارتكابی تناسب نداشته باشد!

۴- عدم برخورد با مدیران نجومی بگیر نشان داد که انگیزه و اراده ای در دولت برای برخورد با این مفساد وجود ندارد و این امر برای جامعه قابل هضم نمی باشد و این اشکال را به کل نظام نسبت می دهند.

۵- بی ثباتی اقتصادی و تورم: در شرایطی که بخش قابل توجهی از مردم به خاطر چالش های اقتصادی ناشی از تحریم و سیاست های دولت ها تحت فشار قرار داشتند، مجموعه عوامل دیگری در روزها و ماه های پایانی سال ۱۳۹۶ رخ داد که باعث ناامیدی هرچه بیشتر مردم از بهبود وضع معیشت و شتاب دهنده اعتراضات شد. ابتدا بلا تکلیفی مال باختگان در موسسات اعتباری که در ماه های گذشته تعدادی از مؤسسات مالی و اعتباری اعلام ورشکستگی کردند و این موضوع باعث اعتراض و تجمعات مال باختگان در برخی مناطق مختلف کشور شد که بعضی از تجمعات با شعارهای تند علیه مسئولین حکومتی نیز همراه بود؛ سپس نگرانی نسبت به بودجه ۹۷ که اخبار متعدد درخصوص افزایش دوباره قیمت سوخت، حذف یارانه ها و... در بودجه ۹۷ از سوی مسئولین به گوش مردم رسید و این پیام به مردم داده شد که تورم جدیدی در راه بود. این در حالی بود که مردم می دانستند افزایش قیمت سوخت تورم و جو روانی نامناسبی را در جامعه به وجود می آورد.

در نهایت باید ذکر کرد که نارضایتی اقتصادی موجود در کشور که بخش اعظم آن برگرفته از سیاست های غلط اقتصادی مسئولین بود و باعث ایجاد ناامیدی در برخی از مردم شد، یکی از عوامل ابتدایی اعتراضات سال ۱۳۹۶ است. اما این اعتراضات خیلی سریع از خواستگاه اصلی خود فاصله گرفت و گروه های دیگری که اصلاً دغدغه اقتصادی نداشتند مدیریت اعتراضات را به دست گرفتند. اگرچه بیگانگان توانستند با بهره برداری و برنامه ریزی برای آن، فعالیت در شبکه های مجازی و تحریک و نفوذ در بین معترضان، مشکلات و خسارات مالی و جانی را بر مردم تحمیل کنند.

۶- فساد سیستم بانکی و اختلاس ها: طی سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به ویژه در دهه های اخیر، بروز تخلفات و مفساد مالی و اقتصادی در نظام بانکی کشور روند فزاینده ای یافته است. طی سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به ویژه در دهه های اخیر، بروز تخلفات و مفساد مالی و اقتصادی در نظام بانکی کشور روند فزاینده ای یافته است. علی رغم تمام پنهان کاری ها در این زمینه، گهگاه اطلاعات مربوط به یکی از این تخلفات، به خارج از نظام بانکی رخنه می کند. در ابتدا، کلان بودن مبالغ اختلاس ها،

موجی از ناباوری را در جامعه ایجاد می نماید و سپس در عرض مدت کوتاهی، پس از دستگیری یا برکناری متخلفین، به یکباره موضوع به دست فراموشی سپرده می شود. اخبار زیر مربوط به مفاسد مالی و اقتصادی در سال های گذشته، به ویژه تخلفات مالی و اختلاس های بانکی، بیانگر سهم قابل توجه سیستم بانکی است. خصوصاً سرسام آور بودن کل مبالغ مورد اختلاس، سنگین ترین لطمات آشکار و پنهان را به سیستم اقتصادی کشور وارد ساخته است.

از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ بیش از ۱۳ هزار میلیارد تومان اختلاس و فساد مالی در کشور کشف شد که عاملان آن تنها ۴ نفر بودند.

در تبیین تأثیر فسادها و اختلاس های اقتصادی می توان از نظریه آنومی مرتون کمک جست که نظریه خود را وسیله و هدف نامیده است و می گوید چنان چه هدف ها و مطلوب هایی در جامعه معرفی شود و وسایل و ابزار رسیدن به آن ها مهیا نباشد و یا وسایلی که جامعه برای رسیدن به آن اهداف مشخص کرده است کارآمد نباشد، جامعه دچار وضعیت آنومیک می شود و به عنوان مثال، فردی که صادقانه و با تلاش فعالیت می کند با مشاهده افرادی که بدون زحمت به ثروت می رسند، مأیوس می شود و در نتیجه، آمار جرایم اقتصادی افزایش می یابد.

دکتر حسین سیف زاده استاد سابق علوم سیاسی دانشگاه تهران در تبیین این ناآرامی ها به ۵ عامل اشاره می کند: بحران هویت، بحران ملت سازی، بحران دولت سازی، بحران مشارکت و بحران رفاه (روزنامه مردمسالاری: ۱۳۹۶/۱۱/۷).

به عبارتی، هسته مرکزی اعتراضات ۱۳۹۶ «طبقه متوسط فرودست» بود. این طبقه بی توهم و بی قرار با وضعیتی متمایز از طبقه متوسط و فرودستان، مقامات لاقید را نگران کرده است. این اعتراضات توسط گروهی عظیم از جوانانی شکل گرفت که محرومیت اقتصادی، آن ها را به سمت زندگی فرودستان سنتی در محلات فقیرنشین حاشیه شهر و سکونتگاه های غیرقانونی، و زیست متکی بر حمایت خانواده و مشاغل دون پایه و تا حد زیادی عاریتی سوق داده است.

احمد توکلی اعتراضات را قابل پیش بینی و در نتیجه سه عامل اتخاذ سیاست های خشن تعدیل صندوق بین المللی پول، دوم، سستی و رخوت دولتی ها در رفع مشکلات معیشتی و نهایتاً بی اعتنائی به مردم و فرار از شفافیت و پاسخگویی در قبال تصمیماتی می داند که گرفته می شود (توکلی: اعتراضات خیابانی قابل پیش بینی بود، ۱۳۹۶).

عبدالله گنجی، مدیر مسئول روزنامه جوان نزدیک به سپاه پاسداران، ۱۲ دی در سرمقاله ای عوامل متعددی را مورد تحلیل قرار داد از جمله دلیل اقدامات و شعارهای ساختارشکن را «تفر» مردم ناشی از انباشته شدن احساس تحقیر، تبعیض و فاصله طبقاتی و عملکرد اشتباه دستگاه های حاکمیت در رسیدگی به مشکلات عنوان کرد (گنجی، ۱۳۹۶).

در سال های اخیر بیکاری در جمهوری اسلامی بیش از هر چیز معلول قاچاق و واردات بی رویه و ورشکستگی کارخانه و مؤسسات تولیدی و اشتغال زا بوده است، عدم توجه به مهارت و تخصص سبب تشدید این مساله شده همچنین تورم و گرانی افسار گسیخته و تشدید شکاف طبقاتی هم در این بین تأثیرگذار بوده است. این امر نه تنها از خود بیکانگی که منجر به ایجاد محرومیت نسبی در بین جامعه نیز می شود. بنابراین همان طور که پیشتر ذکر شد: احساس محرومیت نسبی، حالتی است روانی و احساس کمبودی است که فرد پس از مقایسه با گروه یا فردی که برای او الگو مرجع مقایسه است، بروز می کند. افراد چنان چه خودشان را با فرد یا گروهی که شخص دوست دارد شرایط مشابهی با وی داشته باشد، مقایسه نموده و به این پنداشت و ارزیابی ذهنی برسند که شرایط وی نسبت به مرجع مقایسه ناهمانند است، دچار احساس محرومیت نسبی شده و در صورت تداوم و تعمیم این احساس به نارضایتی، انحراف و شورش می انجامد (مرتون، ۱۹۶۸: ۲۶۸).

۵. روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع کیفی - مقایسه ای است. این روش که یکی از مهم ترین و پرکاربردترین روش های علوم اجتماعی کلان نگر است در پی یافتن پاسخ های به پرسش های بزرگ می باشد و در سطح میانی و کلان واحدهای مشاهده و سطح تحلیل خود را مورد بحث قرار می دهد. برای تجزیه تحلیل اطلاعات نیز با توجه به موضوع و مسأله مطرح شده، روش مورد استفاده در این تحقیق توصیفی - تحلیلی خواهد بود. لذا آن چه در تحقیق توصیفی بررسی می شود عبارت است از: ۱- جمع آوری اطلاعات و پاسخ به پرسش درباره وضع فعلی موضوع مورد مطالعه؛ ۲- تعیین چگونگی وضع موجود و گزارش درباره آن؛ ۳- ارزیابی نگرش ها، عقاید افراد و سازمان ها، رویدادها و رویه ها. این روش که به سطح تحلیل نظر دارد، در نگاه کلی خود، به دو روش توصیفی و روش هنجاری تقسیم می شود. در روش توصیفی - تحلیلی، هدف تبیین، یافتن علل پدیده ها و هدف تحلیل، یافتن پیش فرض ها و آثار و نتایج مترتب بر یک رأی است.

در رابطه با مؤلفه های اجتماعی تأثیرگذار بر اعتراضات سال ۱۳۹۶ با توجه به مطالب مطرح شده و روش تطبیقی، شاخص هایی از تحلیل این وقایع استخراج گردید و جهت سنجش وزن این شاخص ها از خبرگان علمی و اساتید دانشگاه خواسته شد تا در این امر کمک و همراهی نمایند و بر اساس اهمیت به این شاخص ها نمره بدهند. جهت تعیین میزان اهمیت هر معیار نسبت به معیارهای دیگر، باید وزن دهی به معیارها صورت گیرد. با توجه به این که روش انتخابی جهت حل مسأله چه روشی باشد، معیارها به یکی از روش های متداول، وزن دهی می شوند. در این تحقیق، با ارسال پرسشنامه به ۲۵۰ نفر خبره علمی و استاد

دانشگاه به عنوان جامعه آماری، به منظور بررسی نتایج، از روش وزن دهی اصلی (کاردینال) و با مقایس زوجی استفاده شده است.

در روش اولویت دهی اصلی (کاردینال)، یک مقدار عددی به عنوان وزن به هر معیار تخصیص می یابد. جهت به دست آوردن این وزن چهار روش وجود دارد (آنتروپی شانون، دستی توسط تصمیم گیرنده، ترکیب اوزان دستی و آنتروپی، مقایس زوجی) که تمامی روش ها در سیستم پیاده سازی شده است و می توان از یکی از این چهار روش در کنار هر روش تصمیم گیری استفاده کرد. در این جا از شیوه مقیاس زوجی استفاده می شود.

در روش مقیاس زوجی، هر معیار با معیارهای دیگر مقایسه می شود و میزان ترجیح آن ها نسبت به هم بر اساس جدول طیف ساعتی زیر، مقداری به هر مقایسه اختصاص می یابد. این روش بیشترین اعتبار و دقت را در وزن دهی دارد ولی نیازمند اطلاعات کافی و تسلط کاربر بر معیارها می باشد.

جدول ۱: امتیاز دهی در مقیاس زوجی

ارزش	وضعیت مقایسه A نسبت به J	توضیح
۱	ترجیح یکسان	شاخص A نسبت به J اهمیت برابر دارد یا ارجحیتی نسبت به هم ندارند.
۳	کمی مرجح	گزینه یا شاخص A نسبت به J کمی مهم تر است.
۵	خیلی مرجح	گزینه یا شاخص A نسبت به J مهم تر است.
۷	خیلی زاد مرجح	گزینه A دارای ارجحیت خیلی بیشتری از J است.
۹	کاملاً مرجح	گزینه A از J مطلقاً مهم تر و قابل مقایسه با J نیست.
۲-۴-	بینابین	ارزش های بینابین را نشان می دهد. مثلاً ۸ بیانگر اهمیتی زیادتر از ۷ و پایین تر از ۹ برای A است.
۶		

در جداولی که در ادامه ارائه می شود، میزان اهمیت این مؤلفه ها توسط جامعه آماری متشکل از ۲۵۰ نفر از نخبگان و اساتید دانشگاه، از طریق وزن دهی اصلی با مقیاس زوجی نشان داده شده است.

جدول ۲: وزن دهی به مؤلفه های اجتماعی مؤثر در اعتراضات دی ۱۳۹۶

فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال سیزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۴۰۰

شاخص اجتماعی	فساد اقتصادی	تبعیض اجتماعی	بی عدالتی قضایی	محروریت و فقر	انزوای اجتماعی	بیکاری و مشکلات اقتصادی	عدم اعتماد به نظام	ناکارآمدی نظام قضایی	ناکارآمدی قوانین کشور در حل مشکلات	وعده های انباشته شده و بی عمل مسئولان	استبداد دینی	بی اعتنائی به مردم و عدم شفافیت و پاسخگویی به آن ها	بحران های مالی بانک ها و عدم پرداخت مطالبات مردم
۱	۳	۱	۵	۲	۴	۱/۳	۲	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۲	۱/۳	۱
۱/۳	۱	۱/۳	۲	۲	۲	۱/۳	۲	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۲	۱/۳	۲
۱/۵	۱/۲	۱/۲	۱	۲	۲	۱/۲	۲	۱/۲	۱/۲	۱/۳	۲	۱/۲	۲
۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱	۳	۱/۲	۲	۱/۲	۱/۳	۱/۳	۲	۱/۲	۲
۱/۳	۱/۳	۱/۲	۱/۲	۱/۳	۱	۱/۲	۲	۱/۲	۱/۳	۱/۳	۲	۱/۲	۲
۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱	۱/۲	۱/۳	۱/۳	۲	۱/۲	۲
۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۳	۱/۲	۱/۲	۱	۱/۲	۱/۳	۱/۳	۲	۱/۲	۲
۱/۵	۱/۳	۱/۳	۱/۲	۱/۵	۱/۲	۱/۳	۱	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۲	۱/۲	۲
۱/۳	۱/۳	۱/۲	۱/۲	۱/۳	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۳	۱/۳	۲	۱/۲	۲
۱/۳	۱/۳	۱/۲	۱/۲	۱/۳	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۳	۱/۳	۲	۱/۲	۲
۱/۳	۱/۳	۱/۲	۱/۳	۱/۳	۱/۲	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۲	۱/۳	۱

جدول ۳: وزن دهی به مؤلفه های اجتماعی مؤثر در اعتراضات دی ۹۶ - مجموع ستون ها

شاخص اجتماعی های	فساد اقتصادی	تبعیض اجتماعی	بی عدالتی قضایی	محرومیت و فقر	انزوای اجتماعی	بیکاری و مشکلات اقتصادی	عدم اعتماد به نظام	ناکارآمدی نظام قضایی	ناکارآمدی قوانین کشور در حل مشکلات	وعده های انباشته شده و بی عمل مسئولان	استبداد دینی	بی اعتنائی به مردم و عدم شفافیت و پاسخگویی به آن ها
فساد اقتصادی	۱	۱/۳	۱/۵	۱/۲	۱/۳	۱/۲	۱/۲	۱/۵	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۳
تبعیض اجتماعی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
بی عدالتی قضایی	۱/۲	۱/۲	۱	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲
محرومیت و فقر	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱	۱/۳	۱/۲	۱/۳	۱/۵	۱/۳	۱/۳	۱/۲	۱/۳
انزوای اجتماعی	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲
بیکاری و مشکلات اقتصادی	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲
عدم اعتماد به نظام	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲
ناکارآمدی نظام قضایی	۱/۵	۱/۳	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱	۱/۳	۱/۳	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲
ناکارآمدی قوانین کشور در حل مشکلات	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲
وعده های انباشته شده و بی عمل مسئولان	۱/۳	۱/۲	۱/۳	۱/۳	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲
استبداد دینی	۱/۳	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲
بی اعتنائی به مردم و عدم شفافیت و پاسخگویی به آن ها	۱/۳	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۳	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲

فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال سیزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۴۰۰

۱	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۲	۱/۳	۳/۳	۱/۳	۱/۲	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۳	بحران های مالی بانک ها و عدم پرداخت مطالبات مردم
۳۵	۲۷,۳	۲۲, ۶	۲۵,۳	۲۲	۲۶, ۳	۱ ۶, ۶	۱۴	۱۵	۱۰, ۰۶	۱۲, ۶	۸,۱	۵,۲	مجموع وزن ها

جدول ۴: وزن دهی به مؤلفه های اجتماعی مؤثر در اعتراضات دی ۱۳۹۶ - نرمالیزه شده

شاخص اجتماعی های	فساد اقتصادی	تبعیض اجتماعی	بی عدالتی قضایی	محرومیت و فقر	انزوای اجتماعی	اقتصادی، بیماری و مسخارت	بی اعتماد به نظام قضایی	ناکارآمدی نظام کشور در حل شده و بی عمل	استبداد دینی	عدم شفافیت و پرداخت مطالبات	بانک ها و عدم
فساد اقتصادی	۰,۱ ۹	۰,۳ ۷	۰,۳ ۶	۰,۱ ۹	۰,۲ ۳	۰,۱ ۴	۰, ۲	۰, ۶	۰,۱ ۳	۰, ۳	۰,۰۸
تبعیض اجتماعی	۰,۰ ۶	۰,۱ ۲	۰,۱ ۵	۰,۱ ۹	۰,۱ ۳	۰,۱ ۴	۰, ۲	۰,۰ ۱	۰,۰ ۸	۰,۰۷ ۷	۰,۰۸
بی عدالتی قضایی	۰,۰ ۳	۰,۰ ۶	۰,۰ ۷	۰,۱ ۹	۰,۱ ۳	۰,۱ ۴	۰, ۲	۰,۰ ۷	۰,۰ ۸	۰,۰۷ ۷	۰,۰۸
محرومیت و فقر	۰,۰ ۹	۰,۰ ۶	۰,۰ ۳	۰,۰ ۹	۰,۲ ۳	۰,۱ ۴	۰, ۸	۰,۱ ۹	۰,۰ ۸	۰,۱ ۷	۰,۰۸
انزوای اجتماعی	۰,۰ ۶	۰,۰ ۶	۰,۰ ۳	۰,۰ ۳	۰,۰ ۶	۰,۱ ۴	۰, ۲	۰,۰ ۷	۰,۰ ۸	۰,۰۷ ۷	۰,۰۵
بیکاری و مشکلات	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰, ۲	۰,۰ ۷	۰,۰ ۸	۰,۱ ۷	۰,۰۸

فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال سیزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۴۰۰

		۸			۱	۱	۷	۳	۴	۳	۶	۹	اقتصادی
۰,۰۸	۰,۰۷	۰,۰	۰,۰۷	۰,۰۹	۰,۱	۰,	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	عدم اعتماد به نظام
		۸			۱	۰	۳	۳	۳	۳	۶	۹	
۰,۰۸	۰,۰۷	۰,۰	۰,۰۷	۰,۰۹	۰,۰	۰,	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	ناکارآمدی نظام قضایی
		۸			۳	۰	۳	۳	۱	۳	۴	۳	
۰,۰۵	۰,۰۷	۰,۰	۰,۰۷	۰,۰۴	۰,۰	۰,	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	ناکارآمدی قوانین کشور در حل مشکلات
		۸			۱۹	۰	۳	۳	۳	۳	۴	۶	
۰,۰۸	۰,۰۷	۰,۰	۰,۰۳	۰,۰۲	۰,۰	۰,	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	وعده های انباشته شده و بی عمل مسئولان
		۸			۱۹	۰	۳	۳	۱	۲	۶	۶	
۰,۰۸	۰,۱	۰,۰	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰	۰,	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	استبداد دینی
		۴	۹		۱۹	۰	۳	۳	۴	۳	۶	۶	
۰,۰۸	۰,۰۳	۰,۰	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰	۰,	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	بی اعتنائی به مردم و عدم شفافیت و پاسخگویی به آن ها
		۱۴	۹		۱۹	۰	۲	۳	۳	۳	۶	۶	
۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰	۰,	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	بحران های مالی بانک ها و عدم پرداخت مطالبات مردم
		۱۴	۳		۱۲	۰	۲	۳	۳	۲	۴	۶	

جدول ۵: وزن دهی به مؤلفه های اجتماعی مؤثر در اعتراضات دی ۹۶ - محاسبه وزن هر متغیر

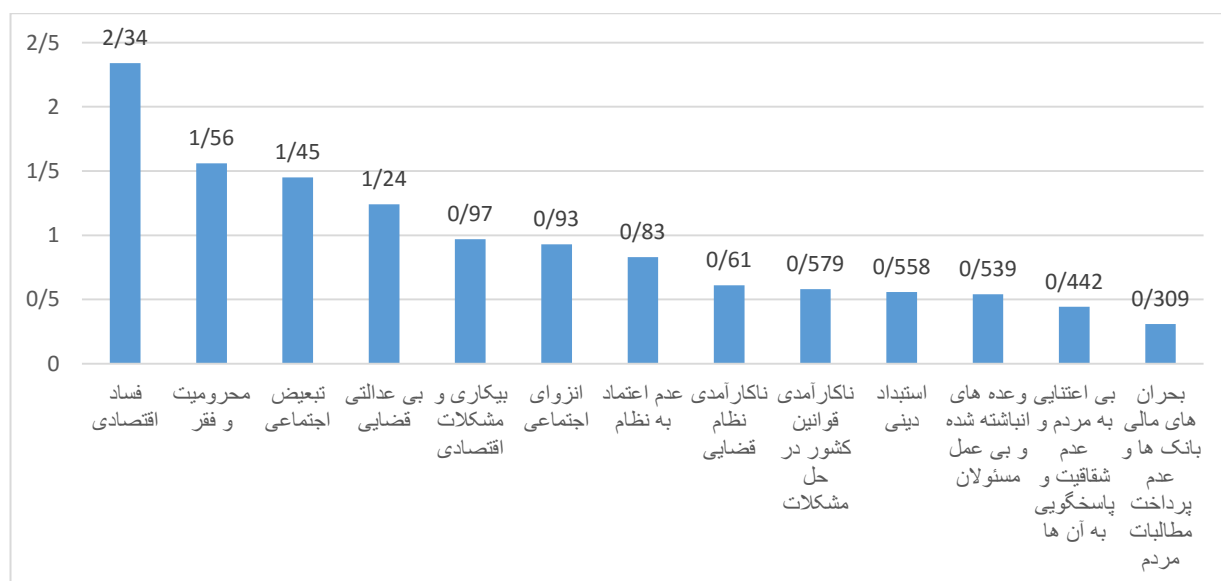
فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال سیزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۴۰۰

شاخص اجتماعی	های	فساد اقتصادی	تبعیض اجتماعی	بی عدالتی قضایی	محرومیت و فقر	انزوای اجتماعی	اقتصاد، بیکاری و مسکن	بی اعتماد به نظام قضایی	ناکارآمدی نظام	کشور در حل	شده و بی عمل	استبداد دینی	عدم شفافیت و	پرواخت مطالبات	بانک ها و عدم
فساد اقتصادی	۹	۷	۶	۶	۹	۲	۴	۲	۱	۱۳	۱۱	۱	۱	۸	۳۴
تبعیض اجتماعی	۶	۲	۵	۶	۹	۲	۴	۲	۱	۱۳	۷	۰	۷	۸	۴۵
بی عدالتی قضایی	۳	۶	۷	۹	۲	۳	۴	۲	۱	۹	۱۱	۰	۷	۸	۲۴
محرومیت و فقر	۹	۶	۳	۳	۹	۲	۴	۸	۱	۱۳	۱۹	۰	۱	۸	۵۶
انزوای اجتماعی	۶	۶	۳	۳	۳	۶	۴	۲	۱	۹	۷	۰	۷	۵	۹۳
بیکاری و مشکلات اقتصادی	۹	۶	۳	۴	۴	۳	۷	۲	۱	۹	۷	۰	۱	۸	۹۷
عدم اعتماد به نظام	۹	۶	۳	۳	۳	۳	۲	۶	۱	۹	۷	۰	۷	۸	۸۳
ناکارآمدی نظام قضایی	۳	۴	۴	۳	۱	۳	۳	۲	۰	۹	۷	۰	۷	۸	۶۱
ناکارآمدی قوانین	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴	۷	۰	۷	۵	۵۷

فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال سیزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۴۰۰

۹			۸			۱۹	۰ ۳	۳	۳	۳	۳	۴	۶	کشور در حل مشکلات
۰,۵۳ ۹	۰,۰۸	۰,۰۷	۰,۰ ۸	۰,۰۳	۰,۰۲	۰,۰ ۱۹	۰, ۳	۰,۰ ۳	۰,۰ ۳	۰,۰ ۱	۰,۰ ۲	۰,۰ ۶	۰,۰ ۶	وعده های انباشته شده و بی عمل مسئولان
۰,۵۵ ۸	۰,۰۸	۰,۱	۰,۰ ۴	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰ ۱۹	۰, ۳	۰,۰ ۳	۰,۰ ۳	۰,۰ ۴	۰,۰ ۳	۰,۰ ۶	۰,۰ ۶	استبداد دینی
۰,۴۴ ۲	۰,۰۸	۰,۰۳	۰,۰ ۱۴	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰ ۱۹	۰, ۳	۰,۰ ۲	۰,۰ ۳	۰,۰ ۳	۰,۰ ۳	۰,۰ ۶	۰,۰ ۶	بی اعتنایی به مردم و عدم شفافیت و پاسخگویی به آن ها
۰,۳۰ ۹	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰ ۱۴	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰ ۱۲	۰, ۲	۰,۰ ۳	۰,۰ ۳	۰,۰ ۲	۰,۰ ۲	۰,۰ ۴	۰,۰ ۶	بحران های مالی بانک ها و عدم پرداخت مطالبات مردم

نمودار ۱: عوامل اجتماعی مؤثر در اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ طبق نظر نخبگان و اساتید دانشگاه



۶. تحلیل یافته ها

مقایسه شاخص های اجتماعی مورد بررسی در وقایع ۱۳۹۶ حاکی از نارضایتی مردم از مهم ترین حقوق اجتماعی خود است. مهم ترین و اثرگذارترین این عوامل فساد اقتصادی و تبعیض و نابرابری اجتماعی است که حاصل آن بی عدالتی قضایی و فقر و محرومیت اکثر جمعیت ایران است. باید به این نکته توجه داشت که این عوامل جدای از مؤلفه های روحی و روانی مؤثر بر اعتراضات است؛ مؤلفه های روحی و روانی که رابطه لازم و ملزومی با شاخص های اجتماعی دارند. واضح است که اگرچه مؤلفه های مورد بررسی به لحاظ عددی با هم اختلاف دارند، اما به لحاظ شرایط و خاستگاه به وجود آورنده، در یک بستر اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رشد می کنند. در جامعه ای که فساد اقتصادی رو به رشد است، به تبع آن بی عدالتی اجتماعی، قضایی و سیاسی رخ می دهد، بیکاری، فقر و محرومیت گسترش می یابد، بی اعتمادی به نظام به واسطه گسترش فساد و بی عدالتی و وعده های بی عمل مسئولان گسترش می یابد. حتی مواردی مثل انتخابات که در قوانین هر کشور مصداق بارز دموکراسی است زیر سؤال می رود زیرا اعتمادی به نظام نیست و بی عدالتی و فساد در حال افزایش است و محرومیت و فقر در حال محو کردن طبقه متوسط جامعه شهری است. از همه نمایان تر، بررسی شاخص فلاکت است که در این چند دهه رقم آن سال به سال افزایش یافته است.

با توجه به رخدادهای سال ۱۳۹۶ باید عنوان کرد که در چنین جامعه ای با کوچک ترین فرصتی، آتش خشم و غضب مردم شعله ور می شود. حتی با افزایش نرخ بنزین که پس از چند سال صورت گرفته بود و شاید این افزایش فی نفسه عامل اصلی اعتراضات نبود، اما این خشم مانند آتشی شده که با هر باد و یا حتی نسیمی، شعله ورتر می شود.

۷. جمع بندی و تحلیل

یافته های این پژوهش نشان داد که مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر ناآرامی ها و اغتشاشات اخیر فساد اقتصادی، نابرابری اجتماعی و فقر و محرومیت است. در واقع مهم ترین عامل این قبیل تحرکات عوامل اقتصادی و اجتماعی می باشد.

از جمله عوامل افزایش حس نابرابری در چند سال اخیر می توان به افزایش پرونده های فساد اقتصادی و طرح جدی آن در جامعه اشاره کرد. این مفاسد اقتصادی نیز بیشتر مربوط به بخش دولتی خصوصاً شرکت های دولتی، بانک ها و مؤسساتی بوده که عموماً مردم با آن ها سروکار داشته و نسبت به اتفاقات پیرامون آن ها حساسیت دارند. مجموعه این عوامل باعث شده تا حس وجود یک فساد عظیم در میان آحاد جامعه شکل بگیرد. مردم این گونه تصور می کنند که این فساد بدون استثناء در تمامی بخش ها وجود دارد و عامل اصلی ناکارآمدی سیاست های دولت بوده است. یعنی از دیدگاه مردم بخشی از بدنه دولت وجود ندارد که آلوده به فساد نباشد و تصور اینکه فساد همه بخش ها را فرا گرفته در میان مردم وجود دارد. در

کنار این موضوع، دسترسی پایین بانکی مردم به تسهیلات بانکی وجود دارد که حس نارضایتی آن ها را بسیار تشدید کرده است. در خصوص بانک ها باید اشاره کرد که بخش قابل توجهی از پرونده های فساد اقتصادی که در چند سال اخیر مطرح شده، مربوط به فسادهای بانکی بوده است. بنابراین مردم از یک طرف خود را از تسهیلات بانکی بی بهره می بینند و از طرف دیگر مشاهده می کنند که عده ای به راحتی می توانند هر اقدامی انجام دهند و در نتیجه، حس نارضایتی و تبعیض بسیار بزرگی در مردم شکل می گیرد. متأسفانه امروز به دلیل مدیریت انفعالی و ناکارآمد، شاهد شیوع بیکاری، افزایش قیمت ها، کاهش قدرت خرید مردم، افزایش نارضایتی های عمومی و... با وجود منابع سرشار خدادادی و نیروی انسانی کارآمد هستیم.

مهم ترین عامل نارضایتی های مردم ایران در چند سال اخیر بیشتر بر موضوعات اقتصادی متمرکز بوده است. هرچند که موضوعات دیگر نیز در این میان نقش داشته اند، اما به صورت دقیق در چند سال اخیر و به خصوص در دو سال گذشته با توجه به تلاطمات اقتصادی، نقش عوامل اقتصادی در گسترش نارضایتی اجتماعی مردم پررنگ تر شده است. در فاکتور اقتصادی نیز موضوعات مختلفی وجود دارند که اگر بر روی هر کدام از آن ها دست بگذاریم، نشان از وضعیت نامناسب دارد. فاکتورهایی از قبیل بیکاری، تورم، عدم دسترسی به تسهیلات بانکی و به خصوص حس تبعیض و نابرابری از جمله مهم ترین زمینه های نارضایتی مردم را در چند سال اخیر تشکیل داده اند. در چند سال گذشته با تشدید این موضوعات، نارضایتی مردم نیز به تبع افزایش پیدا کرده است.

البته باید گفت که بخشی از این ناملایمات اقتصادی تغییرات عینی و بخش دیگری تغییرات ذهنی هستند. در واقع در این جا احساس بد بودن شرایط اقتصادی و اجتماعی بیشتر از واقعیت موجود است. یعنی مردم بدتر شدن اوضاع اقتصادی را بیشتر از آن چیزی که در واقعیت وجود دارد، حس می کنند. این موضوع در بسیاری از زمینه ها وجود دارد و دلایل مختلفی نیز دارد. در این زمینه می توان به تصویری که مردم در خصوص فساد اقتصادی، تبعیض و بی عدالتی، تغییرات سطح رفاه، تورم و بیکاری دارند اشاره کرد که بیشتر از میزان واقعی آن ها در عالم واقع است. بنابراین این یک واقعیت اساسی است که در این گونه تحلیل ها باید به آن توجه کرد. جالب است که معمولاً این گونه تصورات نقش اساسی و کلیدی در میزان رضایتمندی مردم از زندگی خود دارد. این که چه عواملی باعث شده تا چنین تصویری در مردم ایجاد شود، سؤالی است که باید جامعه شناسان به آن پاسخ بدهند.

بنابراین به نظر می رسد حتی سیاست های مقابله با فساد به جای آن که منجر به افزایش حس رضایت، امید و اعتماد شود، آثاری دیگر داشته است. به نحوی که بازنمایی این گونه فسادها به تشدید بی اعتمادی عمومی و کاهش رضایت مردم منجر شده است. این موضوع را می توان به عینه طی چند سال اخیر در خصوص پرونده های متهمان اقتصادی مشاهده کرد. پرونده هایی که هر کدام از آن ها برای مدتی در سطح جامعه

مطرح شده و سپس پرونده دیگری در دستور کار قرار گرفته است. مردم در خصوص این گونه پرونده‌ها، این حس را نداشته اند که با فساد مبارزه می شود بلکه بیشتر دچار حس تبعیض و نابرابری شده اند. با عنایت به این مسائل، چنان که تد رابرت گر بانی نظریه محرومیت نسبی، گفته است: نارضایتی اعضای جامعه به مثابه عامل تعیین کننده وقوع منازعات خشونت آمیز میان ملت ها به شمار می رود و بنابراین در صورتی که راه دستیابی این افراد به اهداف و خواسته هایشان بسته شود دچار محرومیت نسبی می شوند. در مجموع، وی محرومیت نسبی را نتیجه تفاوت درک شده میان انتظارات ارزشی یعنی خواسته های مردم و توانایی های ارزشی یعنی داشته ها و دارایی های ایشان دانست و از آن جایی که این وضعیت ذهنی - روانی، تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی، از حالت ذهنی خارج می شود، خود را به صورت خشونت سیاسی به نمایش می گذارد.

مشاهده فساد اقتصادی، نابرابری اجتماعی و فقر و محرومیت که از مهم ترین یافته های این تحقیق در رابطه با دلایل وقوع رخداد‌های سال ۱۳۹۶ است، به عنوان عوامل مرتبط با نظریه محرومیت نسبی، مردم را به واکنش خشونت آمیز در قبال این متغیرهای اجتماعی واداشت و با گسترش دامنه خشونت سیاسی افرادی که احساس محرومیت می کردند، ابعاد واکنش مردمی به محرومیت، از سطح متعارف فراتر رفت و به برای مدت کوتاهی به بحرانی امنیتی تبدیل شد.

ارجاعات

ابادری، یوسفعلی. (۱۳۷۴). خرد جامعه شناسی، پایان نامه دوره دکترا، دانشگاه تهران.
امامی، کاووس. (۱۳۸۵). پژوهش در علوم سیاسی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی دانشگاه امام صادق.

بشیریه، حسین (۱۳۷۴). انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: دانشگاه تهران.
توکلی: اعتراضات خیابانی قابل پیش بینی بود. (۱۳۹۶/۱۰/۹). تابناک. قابل دسترسی در

www.tabnak.ir/fa/news/۷۵۹۹۸۶

حسینی، حسین (۱۳۷۵). بحران های شهری و تئوری محرومیت نسبی. مجله سیاست دفاعی، ۷(۱۵)، ۱-۴۳.

دلیری، سام (۱۳۸۲). سنجش محرومیت نسبی در نظریه تدرابرت گر، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۶(۲۲)، ۸۱۳-۸۲۹.

روزنامه مردمسالاری، ۷ بهمن ۱۳۹۶

شکرریزی، زهرا (۱۳۷۶). وندالیسم (تخریب آگاهانه اموال عمومی). پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و تحقیقات تهران مرکز.

صدیقیان بیدگلی، آمه (۱۳۹۵). کنش سیاسی دانشجویان و تأثیر محرومیت نسبی بر آن. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۵(۱۸)، ۲۴۳-۲۶۹.

صالحی، رضا (۱۳۸۶). شناخت چالشها و بحرانهای قومی. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک. فتحی، سروش و محمدی، حامد (۱۳۹۰). منابع شهرنشینی، بیگانگی اجتماعی و رفتارهای وندالیستی جوانان. فصلنامه پژوهش اجتماعی. ۴(۱۳)، ۱۵۷-۱۷۱.

کلانتری، صمد، ادیبی، مهدی، ربانی، رسول، احمدی، سیروس (۱۳۹۱). بررسی بی تفاوتی و نوعدوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن. دو ماهنامه دانشگاه شاهد، ۱۴(۲۲)، ۲۷-۳۵.

کوزر، لوئیس (۱۳۸۷). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی (ترجمه محسن ثلاثی). تهران: نشر علمی. گنجی، عبدالله (۱۳۹۶/۱۰/۱۲). ویژگی های اختصاصی اغتشاشات اخیر. جوان آنلاین. قابل دسترسی در www.javanonline.ir/fa/news/۸۸۹۱۴۰

محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰). بیگانگی: طبقه بندی تئوریهها در مکاتب جامعه شناسی و روان شناسی، نامه علوم اجتماعی، ۲(۲). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). وندالیسم، تهران: انتشارات آن.

محسنی تبریزی، علیرضا، و درویش ملا، محمدحسین (۱۳۸۷). سنجش میزان احساس محرومیت نسبی و محرومیت نسبی ادراکی جوانان، نامه علوم اجتماعی، ۳۴، ۷۳-۹۸.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱). درآمدی نظری بر جنبش های اجتماعی. تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

هولاب، رابرت (۱۳۷۸). یورگن هابرماس، نقد در حوزه عمومی (ترجمه حسین بشیریه). تهران: نشر نی.

هنری، علی (۱۳۸۹). علل مؤثر در شکل گیری از خود بیگانگی. فایل دسترسی در <http://maneshe-ali.blogfa.com>

Merton, R. K. (۱۹۶۸). *Social Theory and Social Structure*. New York: Free Press.

Turner, J. H. (۱۹۹۸). *The Structure of Sociological Theory*. New York: Wadsworth Publishing Company.

Abstract:

Protests over the economic conditions in December ۲۰۱۷ (۱۳۹۶) constitute the most significant social crisis in Iran in current decade.

This work aims to search for the origin of political and social protests within this event in Iran.

The research method is based on explanation and study of genesis and origins of shaping of the protests of different classes in December ۲۰۱۷ with a focus on relative deprivation theory, especially the ideas of Ted Robert Gurr as the base theory as well as theories of social alienation.

In this research, by sending a questionnaire to ۲۵۰ faculty members and professors as statistical population, in order to study the results, the original weighting method (cardinal) and paired comparisons were used. The results of this study showed that the comparison of social indices under study shows public discontent with its most important social rights. The most important and effective factors are economic corruption, discrimination and social inequality resulting from judiciary injustice, poverty and deprivation of most of Iranian population which results in a feeling of relative deprivation and a feeling of self-alienation and consequently leads to political and social protests. The difference between the legitimate expectations and the realities of the outside world and lack of attention to value and political changes along with economic demands and creation of equality and social justice are the main sources of political and social protests in the past two decades. As a result, a feeling of relative deprivation and a feeling of self-alienation are the most important factors in protests and unrest in this year in Iran.

Keywords:

Relative deprivation, self-alienation, economic corruption, unrest, crisis